



هدی

(سیاسی فرهنگی)

شماره ی سوم

نشریه الکترونیکی هدی

طوطی طبعث را مهار کن (به ظاهر نباش به باطن بنگر)



الگو گیری از سلبریتی ها ممنوع!
سر زده به سینما بیاید قدمتان روی چشم



بِسْمِ رَبِّ السَّمَوَاتِ



شناختنامه هدی

يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا. لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي

تیم تحریریه

اسرا چرخ گرد ریگی (سال اول، آموزش الهیات)، علی نورا (سال پنجم، فلسفه تعلیم و تربیت)، ابوالفضل بارانی (سال سوم آموزش ابتدایی)، عالیہ اویسی کهخا (سال پنجم، آموزش زیست شناسی)، فاطمه بهرامی مقدم (سال چهارم، آموزش ابتدایی) فاطمه عرب (سال دوم، آموزش ابتدایی)

مدیریت رسانه

عاطفه عباس زاده سرحدی (سال چهارم، آموزش ابتدایی)

چهره های این شماره هدی

سید علی خامنه ای، سید مصطفی توابعیان، دکتر حسین رهدار

راه ارتباطی با هدی : nashrieh.hoda@gmail.com

ایمیل نشریه : nashrieh.hoda1403@gmail.com

با خبر شدن از فعالیت های هدی : https://splus.ir/nashrieh_hoda1403

! هدی در ویرایش مطالب آزاد است

صاحب امتیاز

بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان استان سیستان و بلوچستان

مدیر مسئول

فائقه حسینی (سال دوم، آموزش ابتدایی)

سر دبیر

ریحانه نوری (سال سوم، آموزش ابتدایی)

مدیر اجرایی

حمیدرضا سالاری (سال سوم، آموزش ابتدایی)

دبیران

دبیر تحریریه: فاطمه قاسم زاده (سال سوم، آموزش ابتدایی)
سر ویراستار: فاطمه اله بخش (سال سوم، آموزش ابتدایی)
ویراستار فنی: زینب غلامی (سال سوم، آموزش ابتدایی)

شعار همیشگی،

اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ



الف هدایت

حضرت آیت الله سید علی خامنه ای | ۱۳۸۹/۰۴/۱۲



اگر شما به عنوان یک کارگردان، به عنوان یک هنرپیشه، به عنوان یک فیلمنامه نویس، به عنوان یک عامل مؤثر در پدید آمدن این اثرنمایشی و این اثردراماتیک جاذب و جالب، به عنوان کسی که در این میدان فعال است حالا یا فیلمنامه نویس است، یا کارگردان است، یا فیلمبردار است، یا هرچه نقش ایستادگی و نقش دشمن شناسی را ایفاء کردید، نقش خودتان را شناختید و به آن عمل کردید، خود شما قهرمان یک داستان حقیقی هستید؛ خود شما میشوید یک قهرمان؛ همچنان که در یک هنرنمایشی، در یک داستان، یک قهرمان داریم، یک ضد قهرمان داریم؛ این قهرمان به سمت یک هدفی دارد تلاش میکند، مجاهدت میکند، کار میکند؛ شما اگر در جای خودتان قرار گرفتید، آن نقش خودتان را ایفاء کردید، شما خودتان همان قهرمانید؛ آن وقت اثری که میسازید، بازیای که میکنید باروح تر، گرم تر، گیراتر و جذاب تر خواهد شد. این آن چیزی است که ما از جامعه هنرمند کشورمان، از شما مجموعه ای که بخصوص با صدا و سیما همکار هستید، انتظار داریم.

تقدیم به:

روشنی هر کلمه از **هدی** را و برکت هر گره ای را که این نشریه از کار کسی باز میکند و او را قرار میدهد در مسیر درست هدایت، با ارادت و احترام پیشکش میکنیم به روان تاثیرگذار عزیز این نشریه:

{ شهید عباس مرادی }

بخشی از وصیت نامه

از شما خواهانم تقاضا دارم که در همه حال عجايب اسلامي خود را حفظ کنيد چون عجاب کوبنده تر از خون سرخ من است و همه زينب سلام الله عليها صفت باشيد از برادران و همه دوستانم تقاضا دارم که اسلحه بر زمين افتاده ام را برداريد و راهم را ادامه دهيد از پدر و مادر عزيزم تقاضا دارم هرگاه بر سر جنازه من آمدند؛ مثال حضرت زينب (س) جملۀ خدايا اين قرآني را از ما قبول کن زمزمه کنند و هيچگاه براي ما ناراحت نباشيد

فهرست

۵ های هدایت / فضای مجازی را تبدیل به فضای مجازی نکنید!

۶ معرفی شهید

چشم انداز جامعه

۹ نقش پایداری یا شوخی

۱۰ سلبریتی ها در میدان بسیج

چشم انداز هنر و رسانه

۱۳ از رنگ رخساره نباید به فیلم نت شکایت کنیم؟

۱۴ هرچه فقیرتر با حجاب تر؟ چیتان فیتان نه به عفاف

چشم انداز سیاسی

۱۶ سندرم سلبریتی پرستی

۱۷ سه سکانس و یک فلش بک

بی تعارف

۲۱ ملک خصوصی است؟

۲۱ همون بهتر تبلیغ حجاب نکنی!

۲۲ تای هدایت

۳. اگر خودخواهی و سبک زندگی یک گروه مهم پنداشته شود. مقابل زندگی قرار میگیرد، و خود زندگی از دست میرود. به همین دلیل در سرویس سیاسی این شماره، با نگاهی بسیار ظریف و مو شکافانه به تابعیت و چگونگی به خدمت گرفته شدن جوانان توسط جامعه سلبریتی حرف زدیم و حتی به این نکته اشاره کردیم سرچشمه این استراتژی در فقدان آگاهی راجب چگونگی مشترک پذیری در یک گروه باعث درست نشناختن عوام خاص میشود، بنابراین این وضعیت، یک ظرفیت است و فرصتی طلایی پنداشته میشود، نیروهای ما با بُعد رسانه ای که دارند، چشم و گوش بسته تابع قانون های از خارج آمده نیستند و در نتیجه می توانند از قالب های از پیش ساخته خارج شوند و با فکر سازنده خودشان روش هایی ابداع کنند که دشمن نخواهد توانست به سادگی با این نیروها به دفاع در مقابل آنان برخیزد.

(شهید حسن باقری)

۴- و در پرونده جامعه، هنر و رسانه هدی به بررسی ساختارهای سلبریتیزه شده جامعه پرداخته ایم و با نگاهی نقادانه در سرویس «بی-تعارف» که به تازگی به هدی اضافه شده حقیقت ها را فاش کردیم. امیدواریم با قلمی که در دست داریم در جهت مسیر درست گام برداریم، و ان شاء الله این گام بلند مورد رضای حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) واقع شود.

۱. وقتی حرف میزنیم از فتنه سلبریتی ها، در کویر «توهم» و «هوش اندک» یعنی همین که به خودشان اجازه میدهند تا راجب هر موضوعی اظهار بحث کنند، و سوق دهند افکار عمومی را سمت خواسته های خودشان و گرنه به چه دلیلی فلان بازیگر سینما که سواد علمی و آکادمیک در هیچ حوزه تخصصی ندارد؛ در پستی اینستاگرامی راجب «جنس پوشک بچه» نظر میدهد. باز اگر خودش بچه داشته باشد، یک چیز. بچه نداشتنش را کجای دلمان بگذاریم؟ انسان امروز عقلش را ارزانی چشمش کرده، هر چقدر ادا و اطوار بیشتر، سلبریتی با سوادتر! استفاده از همین ویژگی سلبریتی ها را مرکز توجه قرار میدهد.

۲- این موج از افراط و تفریط فرصتهای طلایی بسیاری جهت رشد استعدادها در پناه الگو گیری به جامعه جوانان داده است به همین دلیل در این شماره، با رویکردی جامعه شناسی و روان شناختی به تاثیرات و تبعات حضور سلبریتی ها در فضای رسانه ای و تحمیل فرهنگ متبلور شده غلط، راجب حجاب و عفاف بانوان می پردازیم. با نگاهی عمیق، به حال و روز سینمای ایران پرداختیم. جایی که شرم موج میزند و خجالت آور است حرفهایی که در آن محیط می زنند. ترویج فرهنگ روابط دختر و پسر آنها با عادی جلوه دادن این ماجرا، هنوز که هنوز است؛ در ذهن نوجوانان باقی مانده. واقعاً منزلت یک هنرمند این نیست که در دادگاه و دادسرا باشد. این حال و روز، متعفن میکند روحیه یک جوان را، مانع اصلی در سبک زندگی این جوان، نه آسایش و رفاه بلکه کسب سود و جمع آوری سرمایه در پناه به خدمت گرفته شدن این شهرت پرستان است.

معرفی شهید

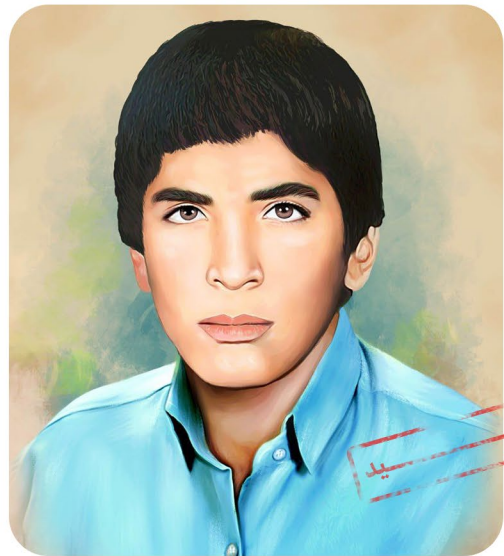
{برکت شماره ۳ هدی}

نام شهید: عباس مرادی نام پدر شهید: ابراهیم

تاریخ تولد: ۱۳۴۷/۴/۲۳ تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۱۱/۱

محل تولد: زابل نماد: معلم اخلاق

نحوه شهادت: تیر مستقیم دشمن



شهید عباس مرادی

(اسرا چرخ گرد ریگی، سال اول آموزش الهیات دینی)

و لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ
أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ.

من، عباس مرادی، فرزند ابراهیم، که افتخار شرکت در صف پیکارگران حق را داشته ام، اگر به دیدار معبودم شتافتم و به لقاءالله رسیدم، بدانید! راهی بوده که با میل و رغبت خودم انتخاب کرده ام، که طلیعه دار و آغازگر آن حسین بن علی علیه السلام بوده و بر این شهادت افتخار میکنم. ای پدر و مادر محترم، از اینکه نتوانسته ام هنگام اعزام به جبهه با شما خداحافظی بکنم و از اینکه نتوانسته ام برای شما فرزندی شایسته باشم، طلب شفاعت و حلالیت دارم، و تقاضای منم برایم ناراحت نباشید و در همه حال صبور باشید؛ «چون خداوند با صبر کنندگان است». از برادران و خواهرانم طلب حلالیت می کنم و **اگر از من در خانه بدرفتاری دیده اید! من حقیر را ببخشید؛** از خواهرانم تقاضا دارم که در همه حال حجاب اسلامی خود را حفظ کنند؛ چون حجاب شما کوبنده تر از خون سرخ من است و همیشه زینب وار باشید. از برادران و همه دوستانم تقاضا دارم که اسلحه بر زمین افتاده ام را بردارید و راهم را ادامه دهید. از پدر و مادر عزیزم نیز تقاضا دارم هرگاه بر سر جنازه من آمدند، مثال حضرت زینب سلام الله علیها جمله **«خدایا این قربانی را از ما قبول کن»** را زمزمه کنند و هیچگاه برایم ناراحت نباشند...

اومدم که راوی روایت زندگی یه بزرگ مرد بشم؛ برگه هایی که روی میزم خاک می خورد رو بالاخره نگاه کردم، از نیروهای خوش خلق عملیات های والفجر ۸ و کربلای ۵ بود. در عملیات اول غواص و در کربلای ۵، آن طور که اطلاع داریم تخریبچی بوده است. عباس عزیز در سخن گفتن طبع روانی داشت و دل هر افسرده ای را با بیان شیرینش آرامش می بخشید. یک روستایی بود. یک روستایی اصیل؛ در روستای «کیخا آباد» از توابع شهرستان زابل دیده به جهان گشود. خانواده اش مستضعف بودند اما در بزرگ کردن او خوب درخشیدند. دبستان و راهنمایی را در زادگاهش ماند اما برای دبیرستان به «محمد آباد» رفت. دیپلمش را که گرفت راهی زاهدان شد. تربیت معلم میخوانده و رشته ادبیات. یک پا نویسنده بوده برای خودش. موقع خواندن وصیت نامه اش متوجه می شوید چیزی که گفتم را. از خصوصیات اخلاقی این شهید عزیز کمک کردن به همه بود. از مادرشان نقل شده که: «هر روز قبل از رفتن به مدرسه یه همسایه داشتیم که زن و شوهری نابینا بودن، براشون از چاه آب می کشید و میبرد. پدرش بهش میگفت: «خب، چرا میری مدرسه؟ بمون. به مردم کمک کن.» و شهید در جوابشون میگفت: «خیلی ثواب داره این کار پدر من.» حتی گاهی برای اینکه ما متوجه اینکارنشیم کتاب هاشو میبرد کنار چاه و آب می برد برای همسایمون.» اینطوریهاست که زیبا زندگی کرده عباس عزیز. حالا خوبه که در اینجا بخوانیم با هم متن وصیت نامه ایشان رو:

معرفی شهید

{برکت شماره ۳ هدی}

شهید عباس مرادی

(اسرا چرخ گرد ریگی، سال اول آموزش الهیات دینی)

از تمام دوستان و خویشان تقاضا دارم که در یک روز جمعه بر مزار من آمده و حلقه زده اند، یک دعای ندبه بخوانند و برایم در نزد خدا دعا کنند، تا شاید خداوند من را ببخشد و دعای شما استجاب شود. هر کس از من طلبی می خواهد، طلب خود را بعد از من از خانواده ام بگیرد و از دوستان و قومان و خویشان تقاضا دارم که من در حدود یکسال و نیم نماز قضا دارم هر کس می تواند آنها را به جا بیاورد، چرا که اجر آن با خدا باد. و در آخر پدر بزرگ و مادر بزرگ و دامادهای گرامی ام امیدوارم که من را بخشیده و حلالم کنید. یک رباعی نوشته ام و آن به این مضمون است:

بوسم دستت ای مادر که پروردی مرا آزاد
بیا بابا تماشا کن که فرزنت شده داماد
به حجله میروم، شادم، ولی زخمی به تن دارم
به جای رخت دامادی لباس خون کفن دارم

خدا حافظ شما...

راه طریقت:

چشم انداز جامعه

نقش پایداری یا شوخی

سلبریتی ها در میدان بسیج

چشم انداز هنر و رسانه

از رنگ رخساره نباید به فیلم
نت شکایت کنیم

هر چه فقیرتر با حجاب تر؟
چیتان فیتان نه به حجاب

چشم انداز سیاسی

سندروم سلبریتی پرستی
سه سکانس و یک فلش بک

بی تعارف

ملک خصوص است؟
همون بهتر تبلیغ حجاب نکنی!
تای هدایت

نقش پایداری یا شوخی

چگونه نجومیها به صف بسیجیها می پیوندند؟



(ابوالفضل بارانی / فعال حوزه رسانه و مسئول معاونت سیاست ورزی بسیج دانشجویی مرکز زابل)

ما هنگام بررسی سیر تکامل واژه سلبریتی و مفهوم مشترک پذیری به صورت ضمنی نکات و مشخصاتی را متوجه میشویم. به این ترتیب توجه به مسائلی از این دست که «هر گروه ظرفیت پذیرش افرادی با نگرش های مختلف را دارد.» و «هر گروه تا چه اندازه تاثیر پذیر و تاثیر گذار است؟»، یا اینکه «گروه، به مجموعه ای از چفت و بست های ذهنی، روانی و اندیشه ای دلالت می کند» و به خودی خود بصیرت قابل توجهی به ما اضافه نمی کند؛

امروزه می توان ساعت ها در مورد مفهوم مشترک پذیری حرف زد، بدون آنکه به نکته جدیدی اشاره کنیم، و یا مسیر قابل توجهی ابداع کنیم. اما باید بدانیم یک عقیده باطل چگونه جایگزین عقیده های مقدس می شود؟ گزافه نیست اگر بگوییم: داستان از زمانی آغاز شد که انسان هایی راه پیشرفت در کار خویش را در راه «جهاد» یافتند.

مسئله از دور مانند ماه زیباست اما فقط از دور، زمانی که به ماه می رسید چیزی جز چاله، کوه و خاک در آن پیدا نمی کنید؛ این نیز همینطور است اگر به سیئه این اشرف مخلوقات دست بزنید چیزی جز سنگ لمس نمی کنید!

اما چرا سنگ؟! چون جایی را برای لطمه زدن انتخاب کرده اند. درست جایی که انسان هایی از جنس الماس با دل هایی پاک مانند چشمه در آن خدمت می کنند و چه کاری بدتر از سد کردن راه چشمه های زلال با سنگ های سرد؟

سلبریتی‌ها در میدان بسیج

نگاهی بر فرهنگ ستاره‌سازی: اغوا یا نادیده گرفتن نیازهای اصلی و انحراف از مشکلات واقعی در بستر فرهنگ معاصر

✎ (علی نورا/ فعال حوزه رسانه - معلمی از دهستان چاهان)

چند عکس، چند استوری و بعد فراموشی. در دهستان چاهان، ما با مشکلات ریشه‌داری مثل: «کمبود آب آشامیدنی، امکانات آموزشی محدود و بهداشت ناکافی» مواجهیم. این مشکلات با یک هیاهوی چندروزه حل نمی‌شود. وقتی رسانه‌ها و مردم بیش از حد به سلبریتی‌ها توجه می‌کنند، اصل ماجرا گم می‌شود. داستان امین مشکی نمونه‌ای از این اتفاق است. او در مدت کوتاهی به یک چهره شناخته‌شده تبدیل شد و مرگش باعث شد هزاران نفر درباره او حرف بزنند. اما در همین مدت، چند نفر درباره مشکلات واقعی و پایدار مناطق محرومی مثل چاهان صحبت کردند؟ چند نفر نام همین بچه‌ها را از اینجا از دورترین نقطه که طرفداران سلبریتی‌ها هستند! می‌دانند؟ وقتی همه حواس‌ها به این چهره‌ها معطوف می‌شود، مشکلاتی که سال‌هاست زندگی مردم را تحت تأثیر قرار داده، به حاشیه می‌رود. این ستاره‌سازی‌ها گاهی ما را از مسیر واقعی حل مشکلات دور می‌کند. سلبریتی‌ها باید بدانند که هر اقدامی از سوی آن‌ها می‌تواند مسیر افکار عمومی را تغییر دهد. اگر تصمیم می‌گیرند در بحران‌ها حضور داشته باشند باید با آگاهی و مسئولیت‌پذیری وارد شوند. نمایش‌های سطحی و مقطعی نه تنها کمکی نمی‌کند، بلکه امیدی کاذب را پرورش می‌دهد. و در نهایت مردم را ناامیدتر از قبل می‌سازد. واقعیت این است که حضور سلبریتی‌ها گاهی توانسته کمک‌های خوبی جذب کند اما این کافی نیست.

چند روز پیش، سر کلاس درس مدرسه در دهستان «چاهان»^۱ بودم. داشتم از مشکلات آب و برق حرف می‌زدم و این که چطور می‌شود با همین امکانات کم، زندگی را جلو برد! یکی از بچه‌ها با هیجان گفت: «آقا! شنیدین امین مشکی تصادف کرده و مرده؟» تعجب کردم. امین مشکی یک بلاگر بود که با ویدیوهای رانندگی پرسرعتش در اینستاگرام معروف شد و همین چند روز پیش در یک سانحه رانندگی جانش را از دست داد؛ این بچه‌ها در چاهان که هنوز از امکانات اولیه مثل آب لوله‌کشی محروم‌اند، به خوبی امین مشکی [و] [چهره‌های معروف دیگر] را می‌شناسند و اخبار [شان] را دنبال می‌کنند. این آگاهی و علاقه به سلبریتی‌ها در چنین منطقه‌ای، ذهنم را به این سمت برد که چرا سلبریتی‌ها چنین نفوذی دارند؟ این حضور و تأثیر چقدر می‌تواند به حل مشکلات کمک کند؟

سلبریتی‌ها با حضور در شبکه‌های اجتماعی به سرعت دیده می‌شوند و مورد توجه قرار می‌گیرند. هر کلمه، تصویر یا اقدامی از سوی آن‌ها می‌تواند موجی از واکنش‌ها را به همراه داشته باشد و آنها مرکز توجه قرار دهد، این پذیرش عمومی، مسئولیتی بر دوش آن‌ها می‌گذارد که نادیده گرفتنی نیست. اگر یک سلبریتی وارد میدان کمک‌رسانی یا «بسیج اجتماعی»^۲ شد، می‌تواند امید و انرژی زیادی ایجاد کند، اما اگر این حضور فقط برای دیده‌شدن و نمایش باشد، آسیب‌های زیادی به همراه دارد. حضور چهره‌های مشهور در بحران‌ها همیشه یک چاقوی دو لبه است. از یک طرف، می‌توانند با استفاده از شهرتشان توجه دیگران را به مشکلات جلب کنند و به حل بحران کمک کنند. اما از طرف دیگر، گاهی این حضورها فقط یک نمایش کوتاه‌مدت است؛

در مناطقی مثل چاهان، ما به توجه مداوم، راه‌حل‌های پایدار و پیگیری‌های جدی نیاز داریم، نه هیاهویی گذرا. حالا این سؤال در ذهن من باقی مانده است: آیا سلبریتی‌ها می‌توانند نقش مؤثرتری در حل مشکلات واقعی ایفا کنند یا ما همچنان باید شاهد نمایش‌های مقطعی و توجه‌های زودگذر باشیم؟

آیا وقت آن نرسیده که به جای ستاره‌سازی، به دنبال راه‌حل‌های واقعی و ماندگار باشیم؟

۱. چاهان، روستایی در دهستان چاهان بخش مرکزی شهرستان نیکشهر در استان سیستان و بلوچستان است.

۲. بسیج اجتماعی، به معنای گردهم‌آیی و همکاری گسترده افراد و گروه‌های مختلف جامعه برای رسیدن به یک هدف مشترک است. این فرآیند معمولاً در پاسخ به بحران‌ها یا نیازهای فوری جامعه صورت می‌گیرد و شامل: «جمع‌آوری منابع، ایجاد آگاهی، ارائه کمک‌های مستقیم و سازماندهی تلاش‌ها» برای بهبود شرایط می‌باشد.

راه طریقت:

چشم انداز جامعه

نقش پایداری یا شوخی
سلبرتی ها در میدان بسیج

چشم انداز هنر و رسانه

از رنگ رخساره نباید به فیلم
نت شکایت کنیم
هر چه فقیرتر با حجاب تر؟
چیتان فیتان نه به حجاب

چشم انداز سیاسی

سندروم سلبریتی پرستی
سه سکانس و یک فلش بک

بی تعارف

ملک خصوص است؟
همون بهتر تبلیغ حجاب نکنی!
تای هدایت

چشم انداز هنر و رسانه آتش زیر خاکستر



(یوسف برادران / مدیریت کسب و کار و کارشناس فضای مجازی)

از رنگِ رخساره نباید به فیلم نت شکایت کنیم؟

در دنیای امروز، سلبریتی‌ها به عنوان چهره‌هایی تأثیرگذار در حوزه‌های مختلف «هنری، ورزشی و اجتماعی» شناخته می‌شوند. با گسترش شبکه‌های اجتماعی و دسترسی آسان به محتوای تولید شده توسط این افراد، تأثیرات مثبت و منفی آن‌ها بر نوجوانان غیرقابل انکار است و آنها را به عنوان الگوهایی بی چون و چرا در همه زمینه‌ها تبدیل کرده است. در بین جوانان و نوجوانان، برخی از این تأثیرات، به خصوص در حوزه اخلاق و فرهنگ، به عنوان تهدیدات جدی مطرح هستند. نوجوانانی که در سنین شکل‌گیری شخصیت خود قرار دارند، ممکن است رفتار بد، سبک زندگی نادرست و گفتار دور از اخلاق سلبریتی‌ها را الگوبرداری کنند. از طرف دیگر، هنگامی که این الگوها، شامل تجمل‌گرایی مفرط، عدم پایبندی به ارزش‌های دینی و فرهنگی باشد، تأثیرات مخرب آن بر ساختار اجتماعی کشور قابل مشاهده است.

وضعیت نامناسب سینمای خانگی ایران و نقش منفی سلبریتی‌ها

از عرصه‌هایی که در سال‌های اخیر به محلی برای نمایش رفتارهای نامناسب برخی سلبریتی‌ها تبدیل شده، «سینمای خانگی» است. [این بخش از صنعت سینمای ایران که با هدف ارائه محتوای سرگرم‌کننده و آموزشی برای خانواده‌ها شکل گرفت] در بسیاری از موارد، به بستری برای نمایش رفتارهای غیر اخلاقی و حتی غیرشرعی تبدیل شد، برخی از این سلبریتی‌ها با استفاده از الفاظ زشت و دور از شأن فرهنگی، عادی‌سازی خشونت کلامی و توهین را ترویج می‌کنند. نمونه‌های متعدد از تولیدات سینمای خانگی نشان می‌دهد که داستان‌ها و شخصیت‌پردازی‌ها به جای ترویج ارزش‌های انسانی و اخلاقی، بیشتر به سمت جذب مخاطب با استفاده از جنجال و حاشیه‌سازی رفته است.

این محتواها، علاوه بر تأثیر منفی بر جوانان تصویری نادرست از زندگی اجتماعی را به نمایش می‌گذارد و ارزش‌های دینی و فرهنگی را تضعیف می‌کند. از سوی دیگر، رفتارهای خارج از قاب برخی سلبریتی‌ها، مانند حضور در مهمانی‌های مختلط، استفاده از پوشش نامناسب و بیان نظرات غیر کارشناسی درباره مسائل دینی و اجتماعی و سیاسی، تأثیرات منفی بر هواداران به خصوص نوجوانان و جوانان دارد. بسیاری از این افراد، به دلیل نبود نظارت مناسب و رقابت ناسالم، از خط قرمزهای فرهنگی عبور می‌کنند. در نتیجه، لازم است نهادهای نظارتی و فرهنگی با جدیت بیشتری به نظارت بر محتوای سینمای خانگی و رفتارهای عمومی سلبریتی‌ها بپردازند. باید برای رفتار سلبریتی‌ها قوانینی وضع شود تا پایشان را از گلیم‌شان دراز تر نکنند. همچنین، رسانه‌ها و خانواده‌ها نقش مؤثری در آگاه‌سازی نوجوانان از پیامدهای پیروی بی‌چون و چرا از این الگوها ایفا می‌کنند. اصلاح این وضعیت، نیازمند تلاش همگانی برای بازگرداندن سینمای خانگی به رسالت اصلی خود یعنی ارتقای فرهنگ و اخلاق جامعه است.

هرچه فقیرتر با حجاب تر؟ چیتان فیتان نه به عفاف

✎ (عالیه اویسی کهخا/کارشناسی ارشد زیست شناسی)

امروزه شبکه های اجتماعی مجازی، تعاملات و جوانب مختلف زندگی افراد جامعه به ویژه جوانان را تحت تأثیر قرار داده اند، در این نوشته به بررسی عواملی که باعث میشود دختران جوان چادر را از پوششان حذف کنند پرداخته ایم.

اما آن چیزی که اهمیت دارد این است که بازیگران باید بدانند که پوشش های آنان تأثیر زیادی بر جوانان و مخصوصاً خانمها دارد. همچنین نباید دور از ذهن بماند که تمایل زنان به مد و پوشش های زیبا بیشتر از آقایان در جامعه است، از این رو، همواره به دنبال جدیدترین پوشش ها هستند. شاید بتوان گفت بازیگران زن، در جشنواره ها پوشش های جدیدی از خود نشان می دهند که مدتی بعد، همان پوشش در جامعه دیده می شود. این بازیگران با صرف هزینه های گزاف، لباسی بر تن می کنند که علاوه بر زیبایی دلخواه خود، جدید باشد لباس هایی که از حجاب لازم برخوردار نیستند. متأسفانه پوشش بازیگران در جایی غیر از صحنه فیلم ها، بخشی از مطلب است، چراکه نقد بزرگی به این پوشش ها در جلوی دوربین فیلم هایی که مدتی بعد به روی پرده سینماها می روند نیز وارد است. افراد در جامعه، حرکات و پوشش بازیگران را عرف می دانند و این طور برداشت می کنند که هر چیزی که از این فیلم ها بر آورده می شود، یک موضوع عادی و عرف جامعه است که نمی توان به آن ایراد گرفت، و مسئله حجاب نیز از این موضوع مستثنی نیست. کاربرد حجاب در برخی از فیلم ها به این صورت است که معمولاً افرادی در نقش انسان های فقیر و پراز مشکلات از آن برخوردارند، به گونه ای که اگر بخواهند زنی را فقیر و یا پراز مشکلات گوناگون نشان دهند، پوشش حجاب برتر، چادر، را برای آن نقش برمی گزینند و اینگونه است که دختران جوان جامعه، از این حجاب برتر متنفر می شوند.

«تورو خدا! اون چادرت را بکش عقب تر دلم گرفت. صورتت را چرا این قدر کپ گرفته؟ هر کی ندونه فکر می کنه قیافه نداری که این طوری خودت رو پوشندی!» این مکالمه تنها یک نمونه از محاوره هایی است که امروزه در بسیاری از محافل در دیدار بین یک خانم محجبه با خانمی بی حجاب رد و بدل می شود. حجاب و پوشش، یکی از بایدها و هنجارهای فرهنگ دینی و بومی هر کشور اسلامی است و موجب پاکی و طهارت روح بشر، به ویژه زن می گردد. امروزه رسانه های جمعی، به خصوص تلویزیون توانسته با نفوذ در مکان های مختلف به خصوص داخل هر خانه ای؛ نظرها را به خود جلب کند، شخصیت افراد، بینش، نگرش، جهان بینی و فرهنگ فرد را متحول کند و نقش زیادی در صلاح و فساد جامعه ایفا کند. همچنین تلویزیون نقش زیادی در به حاشیه کشاندن حجاب و بی ارزش جلوه دادن عفاف و حیا دارد؛ در صورتی که باید خلاف این نکته رواج داشته باشد. خانواده، تلویزیون را یکی از اعضای خود می داند و هر کدام از اعضا، در لابه لای تولیدات تلویزیون به دنبال علاقه و سلیقه خود می رود. سریال ها و فیلم هادارای پیام های نهفته ای هستند که ناخودآگاه در زندگی ها جاری می شوند. برای مثال پوشش بازیگران یکی از موضوعاتی است که همیشه مورد توجه قرار گرفته و واکنش های متفاوتی در جامعه نسبت به پوشش های عجیب برخی از بازیگران داشته است



راه طریقت:

چشم انداز جامعه

نقش پایداری یا شوخی
سلبریتی ها در میدان بسیج

چشم انداز هنر و رسانه

از رنگ رخساره نباید به فیلم
نت شکایت کنیم
هر چه فقیرتر با حجاب تر؟
چیتان فیتان نه به حجاب

چشم انداز سیاسی

سندروم سلبریتی پرستی
سه سکانس و یک فلش بک

بی تعارف

ملک خصوص است؟
همون بهتر تبلیغ حجاب نکنی!
تای هدایت



چشم انداز سیاسی سندروم سلبریتی پرستی

(حسین رهدار/ مدرس دانشگاه فرهنگیان- نویسنده)

دورنمایی بر تابعیت عوام از خاص تا نتیجه گیری درباره اینکه چگونه ستارگانِ باطل ذهن جوانان را مسموم می کنند؟

که از طریق فعالیت در صنعت سرگرمی و رسانه های جمعی حضور گسترده ای در جامعه دارند و عرصه فعالیت های آن ها نیز نسبت به بقیه اعضای جامعه، طیف وسیعی از اقدامات و حوزه های مختلف را شامل می شود. بر این اساس، آن ها خود را مُجاز به حرکت و سخن گفتن در مورد مسائل مختلف ساحت عمومی جامعه می دانند. سلبریتی را پیاده نظام قدرت می دانند که این توانایی را دارد تا تغییرات فرهنگی شگرفی را برای ذهن و باور مخاطبان یا هواداران خود داشته باشد. رفتار آنان جایگاهی برای ارائه کلیه رفتارهای خیلی ساده و پیش پا افتاده، اما مهم در زندگی خانوادگی یا اجتماعی می باشد. از جمله پیامدهای هواداری کورکورانه کاربران از سلبریتی ها می توان به: «تاثیرگذاری و تغییر شکل ذائقه ها و سلیقه افراد، تاثیرگذاری بر علایق سیاسی افراد، تشدید بی اعتمادی اجتماعی، بروز نافرمانی های مدنی و انزوای شخصیت های حامل اندیشه» اشاره کرد.

با توجه به تابعیت عوام از خواص می توان گفت: تاریخ در واقع صحنه رقابت و مبارزه خواص برای کسب قدرت و نفوذ در جامعه است. این نوع نگرش می تواند نافی نقش طبقات در تحولات اجتماعی باشد. خواص با توجه به جبهه ای که در آن قرار دارند (حق یا باطل)، دارای صفات اخلاقی گوناگونی هستند. آنان هوشمند، موقع شناس، اهل مکر، حيله و بازیگری ماهر در به صحنه آوردن عوام (خواص باطل) و یا اینکه در عین هوشمندی و موقع شناسی، افرادی صادق، فداکار و جانبازند (خواص حق) که پیشاپیش توده ها و عوام در صحنه مبارزه حاضرند. با بررسی دواژه خاص و عام به این نتیجه دست می یابیم، کلمه سلبریتی به افرادی اطلاق می شود



چشم انداز سیاسی سندروم سلبریتی پرستی

(حسین رهدار/ مدرس دانشگاه فرهنگیان- نویسنده)

سلبریتی‌ها بدون هیچ‌گونه شایستگی و صرفاً به اتکای شهرتی که به دست آورده‌اند، دارای تریبون‌های پرمخاطب شده‌اند که می‌تواند افکار مخاطبان خود را به زیان منافع ملی تحت تأثیر قرار دهد؛ تأثیراتی که گاه می‌تواند فاجعه‌آمیز باشد. از جمله پیامدهایی که رواج پدیده سلبریتی می‌تواند برای جامعه ایجاد کند تضعیف کارکرد نهادهای رسمی، دولتی و بروز نافرمانی‌های اجتماعی و مدنی است. روند بی‌اعتمادی به نهادهای خدمت‌رسان که نتیجه حمله رسانه‌ای شدید علیه عملکرد آنها از سوی شبکه‌های ماهواره‌ای و شبکه اجتماعی مجازی و در مواقعی هم عملکرد ضعیف این نهادها است، یکی از بدترین اتفاقاتی است که در جامعه رخ می‌دهد که اثر خود را در زلزله کرمانشاه نشان داد. پس این سلبریتی‌ها با این میزان عظیم اثرگذاری در جامعه به دو دسته همسو و غیرهمسو با فرهنگ تبدیل شده‌اند. در این مسیر خیلی از آنانی که کارشان تبلیغ فرهنگ و مبارزه با تهاجم فرهنگی است، متأسفانه در دور باطل برنامه‌های غرب قرار گرفته و دارند با رفتار خود فرهنگ را ریشه کن می‌کنند! در این حال، نقش مردم این است، در جایگاه قضاوت، قوای حق‌شناسی خود را حاکم کرده و در عوض تقلید بی‌رویه و طرفداری همه‌جانبه، [در خیلی از عرصه‌ها به سلبریتیهای خارج شده از مسیر، خرده گرفته و نگذارند این جاعلان فرهنگ به این میزان مورد استقبال قرار بگیرند!]

سه سکانس و یک فلش بک

ارتباط بین مفاهیم ابتلا و امتحان الهی، "مَلّا" و "تأثیر ایدئولوژی" در ادغام شدن نتیجه حال و روز سینمای ایران با تاثیر پذیری از این واژه‌ها

سکانس اول (ابتلا و امتحان الهی خدا صدا ندارد!)

خداوند متعال از دیرباز روی نماد های جامعه، حساسیت ویژه ای داشت. که می‌گوید: «مردم، شما یک الگوی نیکو دارید، آن هم پیامبر شماست». مشخص بود شبیه شدن به الگو و نماد انتخابی خدا، مهمترین وظیفه امت توحید بوده و هست اما آن طرف ماجرا مردم بنی اسرائیل چند وقتی است که به دلیل عذابهای خدا بر قوم ستمکار، کمی طعم آسایش را چشیده‌اند؛ یکی از آنها وقتی خشکسالی مزارع ستمکاران را میبیند، به ازای یک کاسه گندم، یک کاسه طلا از آنها می‌گیرد این روند به نقطه ای رسید که خداوند درباره او می‌فرماید: «کلید گنج های او را، مردان آهنین تن، به زحمت جا به جا می‌کردند! چشم مردم بنی اسرائیل به گنج قارون است.» از این جملات نتیجه می‌گیریم و به یاد می‌آوریم روزهایی را که سلبریتی بنی اسرائیل در شهر می‌چرخید و در جواب امام خود که فرموده بود: بخشی از مال ات که برای خداست، باید پرداخت کنی. - می‌گوید: من اینها (مال و دست آوردهای زندگی) را از عقل و دانش خودم به دست آورده‌ام! حاصل تفکر و پیزینس خودم بوده! لزومی ندارد آن را به خدای تو، پرداخت کنم. - بله! در آن وقت هم مردم حسرت زندگی قارون را می‌خوردند. در گوش هم پیچ می‌کردند که چه مال و منالی دارد. سرانجام، خداوند درست روز بعدش، قارون و منال‌اش با هم به زمین فرو برد.

✎ (فاطمه بهرامی مقدم/ فعال دانشجویی- مسئول پایگاه بسیج خواهران زاهدان)

سکانس دوم (شاید برای شما هم اتفاق بیفتد)

«فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ
مَآ هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُرِيدُ أَنْ
يَتَفَضَّلَ عَلَيْكُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَنْزَلَ
مَلَائِكَةً مَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي آبَائِنَا الْأَوَّلِينَ.»

متن دعوت امت نوح و هود علیه الصلاة و السلام بعد از گذشت هزاران سال در دسترس عموم است. در اینجا خداوند از وجود ملاّهایی در هر قوم سخن میگوید. هر گاه سخن از نحوه گمراهی و نزول عذاب می آید، ملاّهایی دیده می شوند که در برابر پیامبر خدا گردن کشی کردند. دهخدا در بیان و توصیف معنای واژه ملاّ می گوید: «همان اشراف و بزرگان هر قوم همانها که به علت برخورداری از دنیا، هیبتی برای خود ساختهند. همانها که مردم چشم به دهان آنها دوخته اند؛ چه سالم باشند چه منافق. آنها که تریبون دارند و مردم چشمانشان به صفحه رسمی آنهاست؛ تا که از حق دفاع میکنند یا ظلم و جور؟ بله! حالا که از این بُعد نگاه کنید میبینید چقدر این اتفاقات عمیق، ریشه ای، پی در پی، و کم کم اتفاق افتاده برای ما!

سکانس سوم: (تاثیر ایدئولوژی را فراموش نکنید)

با بررسی های مختلف، متوجه شدم دو سه سالی می شود که از میزان فیلم و سریال دیدن من و دوستانم کم شده. هر بار که کنار هم جمع هستیم؛ دیالوگ ماندگار ما این است که: «رفیق! یادت باشه چه کسی باعث خنده و گریه (ت) میشه؟» تو با کسی که احساسات تو را شکوفا کنه بیشتر انس خواهی گرفت. پرو بی حساب نیست این حرف ها؛ برای همین احساس می کنم ویدیو هایی که یک کودک با خوشحالی و رضایت در حال تحمل وارد شدن سوزن به پوست اوست! ساخت هوش مصنوعی بوده! قبول داریم ترس از آمپول کوچک و بزرگ ندارد، پیر و جوان هم نمی شناسد. بنابراین یک کودک چگونه با وجود داشتن چنین ترس درونی (غیرارادی) راضی به پذیرش است؟ نیروی محرک چه چیز است؟ این ترس و هیجان «کودک» برای دریافت درد، دور از ذهن ما بوده و هست. از خودم پرسیدم ملاّ آن کودک چه کسی بوده که توانسته اینطور از «سوزن» آشنایی زدایی کند؟ از گشت و گذار در وب، بالا و پایین کردن اندیشه های سه ساله گرفته تا چند روزی ننوشتن. و هنوز هم به نتیجه درستی نرسیدن [شبيه یک پازل بدون الگو بود یک تکه (ش) ناقص! و بدون محتوا!] بماند تا پیگیری های بی امان سردبیر بنده خدا. داشتم این اتفاقات رو پشت سر می گذاشتم. تا اینکه یاد حرف های استاد از تقابل ایدئولوژی استکبار و مستضعفین افتادم. میگفت: آدمها میخواهند کبریا باشند! در حالی که هر روز، سه بار می شنوند الله اکبر. (بزرگتر از او نبوده و نیست). ادامه میداد که همان آدمها (کبریایی ها) برای اینکه بتوانند بزرگ باشند؛ باید مردم را ضعیف کنند و ضعیف شده نگه دارند. درست میگفت، از ابتدا ایدئولوژی استکبار این بود مردان ۳۵ ساله به مثابه بچه ۱۵ ساله رفتار کنند و تمام ایدئولوژی مستضعفین این بود حتی یک بچه ۱۵ ساله باید به بلوغ یک مرد ۳۵ ساله رسیده باشد. در ایدئولوژی استکبار، تولید گیملهای مخصوص ۳۵ ساله ها اجرا میشود و آن طرف تر در ایدئولوژی مستضعفین حسین فهمیده و مهرداد عزیزاللهی رشد پیدا میکند. بیان این ایدئولوژی و نحوه تصمیم گیری برای جذب یک مشترک در جهت همسو سازی با تفکرات به ظاهر درست یا غلط این نتیجه را در ذهن متبادر میسازد که آشنایی زدایی سوزن برای کودک چگونه اتفاق میافتد که این را هم در فلش بک و بخش پایانی میتوانید مطالعه کنید!

فلش بک (مَلّایک بازیگر را وارد صدا و سینما میکند!)

استکبار از مؤلفه های متفاوتی استفاده می کند تا سطح عقول در جهان به اندازه سطح عقل یک کودک برسد حالا چرا کودک؟ (کودکی که از سوزن میترسید) چون که: که کودک استعمار پذیر است. کودک زود گول میخورد و سرش گرم بازی میشود. یادتان هست حرف زدم راجب «مَلّاهایی»؛ بله درست حدس زدید ایجادِ مَلّاهایی که این مسئولیت را به نحو احسن انجام دهند، این مَلّاها باید راهی استکبار شوند تا آشنایی زدایی آسیب های اجتماعی در پناه موقعیت های مثبت و به هنگام جا بیفتند. وگرنه چه کسی با بازی در یک سریال، یا حتی کمتر، با ترند شدن ویدیو-اش در اینستاگرام میتواند به صدا و سیمای رسمی آن کشور، راه پیدا کند؟؟؟ مَلّاهایی که تمام حواس پنجگانه مردم را به سمت زیور های خود جمع میکنند.

با استراتژی، تو باید بیشتر و کمتر از سنت بدونی! (سکانس سوم) الگوهای جدید و تاثیر گذاری را پرورش می دهند تا قوانین رشدی و شناختی انسان را متوجه عاداتی ناپسند مانند الگو پذیری از یک قشر خاص بسازند و آن ها را نسبت به سرگذشت پیشینیان شان بی تفاوت بکنند. بله همانطور که در سکانس اول هم گفتم جملات «دانش خودم»، «بیزنس خودم»، «خدای تو!» نشان دهنده این است که با عبرت نگرفتن از حوادث گذشتگان بی شک آن جامعه دچار سنت الهی میشود و سنت الهی هم تغییر نمیپذیرد. برای آنکه بدانید آیا جامعه هدف دچار این سنت شده یا نه! نوشته های من رو در شماره های پیش رو، مطالعه کنید با نگاهی عمیق تر به ادامه این موضوع پرداختم.

ترجمه آیه: آنگاه سران قوم او که کافر شدند گفتند: این بشری است مانند شما که می خواهد بر شما منت بگذارد و اگر خدا می خواست فرشتگانی را که ما نشنیده ایم نازل می کرد. (این همان چیزی است که پدران اول ما گفتند.)

این یادداشت ادامه دارد ...



راه طریقت:

چشم انداز جامعه

نقش پایداری یا شوخی
سلبریتی ها در میدان بسیج

چشم انداز هنر و رسانه

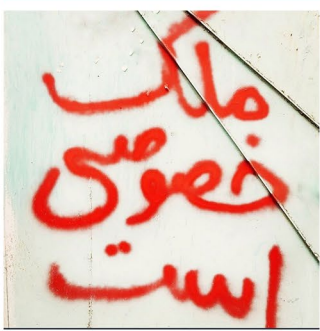
از رنگ رخساره نباید به فیلم
نت شکایت کنیم
هر چه فقیرتر با حجاب تر؟
چیتان فیتان نه به حجاب

چشم انداز سیاسی

سندروم سلبریتی پرستی
سه سکانس و یک فلش بک

بی تعارف

ملک خصوص است ؟
همون بهتر تبلیغ حجاب نکنی!
تای هدایت



نقش سلبریتی‌ها (به ویژه بانوان) در ترویج یا تضعیف فرهنگ حجاب

(سید مصطفی موسوی / فعال حوزه رسانه و نویسندگی)

حجاب نه زیبائیت و نه صدفی است برای گوهر وجود زنان! نه «حجاب» کاغذ بسته بندی و نه «زن‌ها» شکلات و آبنبات هستند، که اگر پوششی نباشد دورش مگس و مورچه جمع بشود! نه هیچکدام از این مثل های بدقواره و باطل. زنان این مملکت را نه چوب رضاخان مانع حجابشان شد نه گشت ارشاد جمهوری اسلامی محجبه شان کرد! که اگر خدا هم اجبار میخواست به پیامبرش زور بازو میداد نه قلب رئوف و سینه گشاده! و اساس امور قلب ها قرار نمیگرفت. اسلام اگر به حجاب توصیه کرده برای آن است که نمی خواهد اگر اولنگاه سهوی حلال مردی به زنی افتاد جسمش را ببیند و آب از دهانش راه بیفتد! نمی خواهد زن کالا و ویتترین باشد برای نگاه بقیه! اسلام خیرخواه است، هم برای مرد که آفریده خداست و هم برای زن که شاهکار خداست! آنها که می گویند خداوند فرق گذاشته است، نمی دانند که دلسوزتر از خالق به مخلوق چه کسی یافت میشود؟! اسلام خودخواه است! و به قول امروزی ها طرفدار تکپری میخواهد اگر قرار است کسی لای گیسوان موج زنی غرق شود، فقط مرد او باشد! و هم آن زن است که نجات غریق مردش می شود، اگر بخواهد! ساحل سینه (قلب) هر مردی تنها اقیانوس آرام یک زن است! و آن بازوان محکم، لنگرگاه دستان محرمش! زن ریحانه است و گل! **#گلخانه** نیست! که همه عطرتنش را استشمام کنند! سرخی انار لبهای هر زنی را تنها یک نفر باید ببیند، و هم اوست که ترشی و شیرینی آن را میچشد؛ و حق ندارد ببیند و نعوذ بالله بچیند این سرخی را دیگری حتی به نگاهی! کاش جماعت عمامه به سر میان فتوایشان، بالای منبر میگفتند که ایها الناس! نساء، حق الناس نیست! اسلام میخواهد بگوید که هرکسی، هر عابری، حق ندارد نگاهی بچیند از گیسوان زنی! بلکه نگاه ها، دل ها و دیده ها! چه مرد و چه زن، چشم های هیچ نامحرمی خیره به دیگری نباید بنگرد! آری همه حق دارند نگاه ما را به دنیا ببینند، اما تنها یک نفر است که حق دارد به دنیای چشم های ما خیره بشود....

همون بهتر تبلیغ حجاب نکنی!

افراط و تفریط های گریبان گیر حجاب شده افرادی که برای فرار از قانون، شرع و عرف چادر مشکی را با لاک قرمزشان ست می کنند؛ همان بهتر که تبلیغ حجاب نکنند!

هزار قانون، ماده و تبصره برای خودشان طراحی می کنند، حجاب استایل، گردی صورت، مچ دست، در این میان رنگ و بوی حکمت را فراموش کرده اند. حجاب شرعی در زنان بدین صورت است که: «پوشش زن در مقابل نامحرم باید به گونه ای باشد که اولاً

به جز گردی صورت و مچ دست تا سرانگشتان (بدون آرایش و زیورآلات) آشکار نباشد؛ ثانیاً برجستگی ها و زیبایی های بدن زن، با وجود پوشیده آن، آشکار نباشد و ثالثاً رنگ و خصوصیات آن به گونه ای نباشد که جلب توجه کند و موجب تحریک اطرافیان شود». حالا این به اصطلاح سلبریتی هایی که مبنای کار و درآمدشان بر جلب توجه است، چگونه بدون جلب توجه تبلیغ حجاب می کنند؟! پوشش محجبه شان چشم نامحرم را خیره و دیگر بانوان را مشتاق به تقلید می کند در حالی که آنچه تبلیغ می کنند حجاب نیست! شرع، فرع و جزئی از دین نیست! اگر هم ربطی به دین داشته باشد در نقض آن است نه در وسع آن. وقتی می آیند. می گویند: «حجاب»، آدم می ماند! قسم جلالتشان را باور کند یا دم خروس را! اینها به درد حجاب نمی رسند. زخم های فرهنگی مان را مداوا نمی کنند. تهاجمات فرهنگی را دفع نمی کنند. بله! اینها خود تهاجمند در لباس شرع. زبانشان به وحدت می چرخد اما آنچه که تبلیغ می کنند، تبلیغ است.

ضمیمه تحلیل، تائ هدايت

يك جرعه تحليل كه خلاصه شده در ۱۲ كلام

۱- بعنوان كسى كه حدود ۵۰ الی ۶۰ سخنرانى رهبرى رو در مورد زن و خانواده مطالعه كردم ميگم كه نگرانم سخنرانى امروز هم مثل قبلى ها بايگانى بشه و فراموش، مقتدر هميشه مظلوم ولى پيروز يكي جلوه هايش همين عنايت رهبرى به حوزه بانوان است. تعابير بلندش، وقتى كه مى گذارد، عمق نگاهش به اين حوزه، حمله به مباني غرب و تبیین متن و بطن اسلام، افسوس كه خود بانوان انقلابی نیز آنطور كه شايسته است بر اين فرازها كار نمي كنند.

۲- فضا سازى صورتى حسينيۀ امام خميني (ره) خود حاوى نكاتيست براى اهلش كه دقت مى كنند اين ۴ گانه سختيها، سياست، جهاد و عبادت در كنار تربيت فرزند و البته خطبه ها و... كه رهبرى فرمودند از حضرت زهرا سلام الله عليها خيلى زيبا بود و پرمغز. استعارۀ شگفتي آفرينش و در عبادت خيره كنندۀ چشم فرشتگان بنظرم اوج پرواز متن امروز بود براى نشان دادن نه افق حركت زنان بلكه بشريت.

۳- بحث عميق، مفهومی و پرنكتۀ زوجيت آنهم چنين مبسوط و فلسفى حقيقتاً رزق روز ميلاد حضرت هست براى ما. چقدر حكيمانه و عالمانه ايشان اين بحث رو بسط دادند تا رسيد به واژه اى بنام تشكيل واحد سوم بنام خانواده آه و فغان كه علوم انساني غربى ما اجازه ورود چنين بحثى به دانشگاه نمى دهد تا مشخص شود كلاه كودك عقل بر سر کدامين نظريه هايشان خواند ماند!

۴- چرا در چنين برهه اى رهبرى اين طور مفهوم زوجيت را مطرح مى كنند؟

۵- تبارك الله حقيقتاً! زندگى شهوانى، كثيف، غوطه و در در همجنس گرايان قانونى كجا و تبیین اين منشور و پرواز آن تا عرش حيات طيبه كجا؟ به راستى کدام جهاد تبیین قيام خواهد كرد براى نجات زنان عالم از دست اومانيسم و ليبراليسم؟

۶- به صحنه آمدن يك جريان شناسى قوی و دقيق از حوادث غرب و سير تطور آنها در مورد نگاه به زن در بيانات ۲۷/۹/۱۴۰۳ چه در كارخانه چه در فلسفه چه در حكمرانى و

۷- ايجاد جبهه اى عظيم براى به فرش كشيدن موجودى مقدس بنام زن و نابودى نهادى فراسازمانى بنام خانواده اين همان فشنگ و خشابيست كه رهبرى مى فرمايد به مباني غرب در حوزه زن حمله كنيد؟ و حمله كنندگان ما بايد بدانند حمله و زدن ريشه با هرس فرق دارد.

۸- چطور اينبار هيچ كسى نگفت چرا پخش زنده نبود و چرا سانسور شد؟! چون گردانندگان دستگاه محاسباتى معيوب در معجون رسانه ما نيازى براى آن نمىديدند.

۹- رهبرى چه چيزى دارد از ميدان مى بيند كه براى بار دوم اشاره مى كند به زنده بودن روح و فكر سيد حسن و سنوار چرا آنچه او مى بيند را حد اندكى اش را ما نمي بينيم؟

۱۰- كليد واژه هاى اين سخنرانى در دهها سخنرانى گذشته ايشان در مورد زنان و بانوان، بنظرم بيشتري بود و بايد احصا گردد و بهم پيوستگى اش ترسيم شود. كاش روزى ما يك دهم غربى هاى بيرون كشور و غربيگراى داخل كشور به تاثير زن و خانواده در تشكيل تمدن اسلامى پي ببريم و باور كنيم طعم تلخ به فراموشى تاريخ سپردن اين سخنرانى مانند بقيه چند ده سخنرانى قبلى آزار دهنده هست.

اللهم احفظ و نصر و ايد قائدنا الامام خامنه اى

مسیر راه طریقت هدی نشریه دانشجویی هدی

با یادواره شهید محجبه ششم

پیشرانان مقاومت
۲۵ آبان ماه ۱۴۰۳ منتشر شد

الگوگیری از سلبی‌ترین‌ها ممنوع
در حال انتشار

چالش التیام نیافته!
۱۱ مهر ماه ۱۴۰۳ منتشر شد



نشریه الکترونیکی هدی
سیاسی - فرهنگی
دانشگاه فرهنگیان
استان سیستان و بلوچستان

ارتباط با ما: @nashrieh_hoda | سروش

nashrieh.hoda۴۰۳@gmail.com